

## فرازی از تاریخ جنگ در عملیات والفجر ۸ (به روایت اسناد)

تهیه و تنظیم: دکتر حسین اردستانی

	<p>عملیات فاو با سایر عملیات‌های قبلی تفاوت اساسی داشت. در فاو توازن میان ایران و عراق به هم خورد و هر آن احتمال حمله جدید توسط ارتش عراق وجود داشت. دیگر آنکه، از نظر فرماندهی، زمان پس از عملیات به درازا خواهد کشید. لذا سعی فرماندهی آن بود که با انتقال زرهی و توپخانه به غرب اروند ضمن تقویت آتش، کمبود نیرو را نیز جبران کند. مسأله مهم دیگر فرهنگ بازسازی در میان یگان‌های سپاه است که پس از ۷ تا ۱۰ روز مطابق قبل، باید به بازسازی یگان خود بپردازند و نیروها به مرخصی بروند. سعی فرمانده سپاه آن است که برای فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا ببیناند که در این عملیات باید بازسازی یگان در خط صورت گیرد و امکان به عقب رفتن وجود ندارد. این موضوعات در گفتگوهای آقای محسن رضایی و سایر فرماندهان ایشان مورد بحث واقع شده است.</p>				
				<b>چکیده</b>	

### مقدمه

بعد از تصرف فاو که در اوج غافل‌گیری ارتش عراق انجام شد، فرماندهان عراق درصدد برآمدند قبل از آن‌که رزمندگان اسلام در مواضع به دست آمده استقرار یافته و خطوط دفاعی خود را تثبیت نمایند، آن‌ها را به مواضع قبلی عقب برانند. در همین راستا روز چهارم عملیات، لشکر گارد را بدون داشتن آگاهی لازم از شرایط جدید وارد منطقه درگیری کردند که با تهور و شجاعت خاص رزمندگان لشکرهای ۱۴ امام حسین، ۸ نجف، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی بن ابیطالب و ۳۱ عاشورا تلفات سنگین بر آنان وارد شد که منجر به عقب نشینی آنان گردید. در پی این ناکامی، عراق با آگاهی از نقطه ضعف جبهه خودی و توجه به این‌که برد توپخانه و آتش پر حجم ادوات که از شرق اروند، محورهای ساحلی و جاده استراتژیک را

مطالبی که به دنبال می‌آید، فرازی از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) است که در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ انجام گرفت. زمینه‌ها و شرایط این عملیات از اهمیت خاصی برخوردار است که در این نوشته بخشی از آن براساس گفت و گوی فرماندهی کل سپاه با مسئولین زرهی و توپخانه و دو تن از فرماندهان یگان‌ها، که نوار آن توسط حسین اردستانی راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ضبط شده است. همان‌گونه که از گفت و گوهایی انجام شده پیدا است، درجه اهمیت فاو برای جبهه خودی و تلاش روزافزون دشمن نسبت به بازپس‌گیری آن، وضعیتی را پدید آورد که حفظ آن را به هر شکل ممکن ضروری می‌ساخت. چرا که هر گونه تزلزل در جبهه خودی، موقعیت به دست آمده را با مشکل جدی مواجه می‌نمود.

از سوی عراق به شمار می‌رفت و به نظر می‌رسید که کلیت عملیات را به خطر خواهد انداخت. لذا جبهه خودی تمام فکر خود را معطوف رخداده مزبور نمود. در چنین شرایطی بیش از هر چیز کمبود شدید نیروی پشت سرگذااردن فشارهای طاقت فرسای بمباران هوایی، خصوصاً بمباران شیمیایی و پاتک‌های دشمن، غالب یگان‌های سپاه نیرویی در حد یک گروهان تا دو گردان در اختیار داشتند و غالب خطوط دفاعی فاقد نیروی کافی بود. بدین خاطر فرماندهی کل درصد برآمد تا از طریق به کارگیری تانک نفربر و خشایار، آتش توپ‌خانه و بازسازی یگان‌ها در داخل منطقه عملیاتی بر این مشکل فائق آید تا در فرصت‌های بعدی انجام اقدامات اساسی تر میسر شود. در این نوشته، موضوعات مورد اشاره در گفت و گوی فرماندهان آورده شده است. توضیح آن‌که برای حفظ حال و هوای گفت و گوها، حتی‌المقدور سعی شده است لحن محاوره حفظ شود. نکته دیگر آن‌که نام اشخاص با توجه به موقعیت آن زمان آنان آورده شده است. در نوشته حاضر سه موضوع به ترتیب ذیل آمده است:

- به کارگیری توان زرهی و مکانیزه
- تقویت توپ‌خانه غرب اروند
- بازسازی در خط

#### به کارگیری توان زرهی و مکانیزه

فتح‌الله جعفری مسئول زرهی سپاه: ما در این چند روز هر امکانی در پادگان آموزشی بود، بسیج کردیم و تقریباً ده دستگاه تانک خراب را تعمیر کردیم و هر چه تعمیر می‌شد مرتب می‌فرستادیم توی خط. محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران: خب، این تانک‌ها خدمه هم داشتند؟  
فتح‌الله جعفری: بله خدمه‌های گردان [تیپ] ۳۸ ذوالفقار بودند.

مورد پشتیبانی قرار می‌داد از جمله عوامل اصلی در ممانعت از پیش‌روی یگان‌هایش بوده است، محور حمله خود را از جاده استراتژیک به محور ام‌القصر تغییر داد. در این محور نیز به علت عدم پوشش کافی آتش توپ‌خانه و ادوات و همچنین مشکلات انتقال توپ‌خانه و رسان مهمات مورد نیاز و ... ضعف مشهودی بر جبهه خودی تحمیل شده بود. مشکل دیگر وجود کارخانه نمک بود که به خاطر نمک‌زار بودن سیل بندهای آن به هیچ وجه امکان احداث خطوط دفاعی قابل اطمینان ممکن نبود. علاوه بر این، وجود خور عبدالله به عنوان یک جناح که به دشمن امکان می‌داد توسط «ناوچه‌های اوزا» پشت خطوط خودی را زیر آتش قرار دهد و در صورت نیاز نیروهای خود را پشت خط خودی پیاده نماید، معضل دیگر فراروی فرماندهان جنگ بود. به شرایط مزبور کمبود شدید نیرو را نیز باید اضافه کرد.

فرمانده سپاه در عملیات  
الفجر ۸ سعی می‌کرد برای  
فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا  
بیاندازد که در این عملیات باید  
بازسازی یگان در خط صورت  
گیرد و امکان بازسازی در عقبه  
وجود ندارد

بعد از ده روز جنگ و بمباران مداوم عراق که از بمب شیمیایی نیز به مقدار وسیعی استفاده نمود یگان‌های سپاه شدیداً با مشکل نیرو رو به رو شدند. بگونه‌ای که نوعی خوف و نگرانی عمیق جبهه خودی را فراگرفته بود و فرماندهان با تمام سعی و کوشش تلاش کردند که این خطر را پشت سر بگذارند. ارتش عراق در ۲۹ بهمن ۱۳۶۴ حوالی بعد از ظهر به محور ام‌القصر حمله کرد و با توجه به نارسائی‌های مستقر در آن محور، ضمن شکستن خط توانست حدود ۳-۴ کیلومتر پیش‌روی نماید. به نظر برخی فرماندهان چنین وضعی، آغاز اقدامات جدی



منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

محسن رضایی: برادر حمید آمد؟<sup>۱</sup>

فتح‌الله جعفری: حدود سه روز است که آمده.

رضایی: دارد کارش را سازمان می‌دهد؟

فتح‌الله جعفری: بله، آمده بالای سر این‌ها و به

آن‌ها سازمان داده و مرتب آن‌ها را به خطوط درگیری

می‌فرستد. تانک‌ها ابتدا آمدند در قرارگاهی که در فاو است

و بعد آمدند جلو و خطوط دشمن را می‌زدند هر کدامشان

رضایی: در حال حاضر چند دستگاه تانک در این خط مستقر است؟

فتح‌الله جعفری: با آن‌هایی که غنیمت گرفته شده در مجموع ۱۲ دستگاه می‌شود.

رضایی: در خط کارخانه نمک چند دستگاه مستقر است؟ احمد کاظمی<sup>۲</sup> چند تانک به آن طرف آب<sup>۳</sup> برده است؟

فتح‌الله جعفری: احمد کاظمی سه تا برده که فقط همین سه تا توی خط است.

محسن رضایی: ا، پس چرا سه تا؟ خیلی کم!

فتح‌الله جعفری: دیگه نبرده است. گفتم بقیه‌اش را هم ببرد.

غلامعلی رشید: پس تانک‌های مرتضی (لشکر ۲۵ کربلا) و لشکر امام حسین (ص) کجاست؟

رضایی: ببینید ما باید حدود ۲۰ دستگاه تانک در محور ساحلی و ۲۰ دستگاه هم در احتیاط باشد.

فتح‌الله جعفری: مجموع تانک‌های ما فکر نمی‌کنم ۶۰ دستگاه باشد.

در این دو سه روزه که این‌جا بودند مرتب شلیک می‌کردند. مهمات هم به اندازه کافی داشتند تانک‌های

خوبی است، درش بسته بود و هر چه آر.پی.چی می خورد منفجر نمی‌شد، فقط شلیک می‌کرد. این‌ها هر

کدامشان (نامفهوم) مهمات (نامفهوم) زیاد بود. تا حدود صدوپنجاه گلوله را مثلاً (نامفهوم) زدند. چند

دستگاه تانک را این‌جا زدند که مجدداً سه تانک آماده کردیم و آوردیم برای پشت این خط منتهی گفتند

این‌جا دیگر نیازی نیست. سه دستگاه دیگر هم بود که تیر منحنی شلیک می‌کرد. از این تعداد تانک سه

دستگاه دیگر مانده بود که دیروز عصر راه انداختیم و آوردیم در جاده استراتژیک تا در اختیار برادر

مرتضی<sup>۲</sup> باشد. سه دستگاه هم از لشکر حضرت رسول (ص) آماده بود که به منطقه انتقال داده شد.

رضایی: حالا این‌ها خوب آرایش گرفته‌اند؟

فتح‌الله جعفری: بله الان در اختیار لشکر ۲۵ کربلا و لشکر حضرت رسول (ص) هستند و در محور جاده استراتژیک آرایش گرفته‌اند.

۱. حمید عرب نژاد فرمانده تیپ ۳۸ ذوالفقار.

۲. مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که در محور جاده استراتژیک عمل می‌کرد.

۳. احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف که در محور جاده استراتژیک عمل می‌کرد.

۴. غرب رودخانه اروند.

فتح الله جعفری: حالا شما می‌خواهید، از اهواز بیاورد؟

رضایی: بله باید ۲۰ تانک بیاورد.

فتح الله جعفری: فکر می‌کنم تا حالا فقط ۲ دستگاه برده است.

رضایی: وقتی لشکر حضرت رسول (ص) ۲۰ دستگاهش در منطقه کامل شد نمی‌توانیم گردان ذوالفقار را به آن‌ها بدهیم؟

فتح الله جعفری: گردان ذوالفقار از اول در منطقه بوده و نیروهایش از بین رفته است همین روزها باید به عقب بیاید و حداقل به مدت ۱۰ روز بازسازی شود.

رضایی: گردان ذوالفقار همین الان چند دستگاه تانک می‌تواند حاضر به کار داشته باشد؟

فتح الله جعفری: گردان ذوالفقار ۱۸ دستگاه نفربر دارد که در منطقه به کار گرفته شده و تعدادی از خدمه‌هایش روی مین رفته‌اند. تانک‌ها هم نیرو کم دارند. از نظر نیرو مشکلات دارند.

رضایی: بطور کلی چند دستگاه تانک با خدمه می‌توانند سازمان بدهند تا در منطقه باشد؟

فتح الله جعفری: الان فقط همین ۳ دستگاه را دارد. رضایی: ۳ دستگاه؟

فتح الله جعفری: این‌ها از اول عملیات در منطقه بوده‌اند یعنی تمام زرهی منطقه ما را از اول این‌ها تشکیل می‌دادند.

؟: (نامفهوم)

فتح الله جعفری: اکثراً در منطقه قشله که مقرشان بود شیمیایی شدند. دیشب این منطقه را شیمیایی زد. تانک‌ها و خدمه‌ها را آورده بودیم به این منطقه تا عبور دهیم که همان شب شیمیایی زد و ما مجبور شدیم آن‌ها را به عقب منتقل کنیم. الان ۳۰ دستگاه تانک آماده داریم. فقط خدمه‌هایشان شیمیایی شده‌اند.

رضایی: خوب برایشان خدمه بگذارید، بچه‌های اصفهان که آمدند کجا رفتند؟

فتح الله جعفری: آن‌ها را نمی‌شود به کار گرفت،

رضایی: احمد کاظمی (لشکر ۸ نجف) باید ۲۰ دستگاه بیاورد. لشکر حضرت رسول (ص) هم باید ۲۰ دستگاه بیاورد.

فتح الله جعفری: فکر می‌کنم موجودی برادر مرتضی (لشکر ۲۵ کربلا) باید ۳۰ دستگاه باشد.

رضایی: خوب از این ۳۰ دستگاه باید ۲۰ تایش به آن طرف (غرب اروند) برود. تا حالا چه تعدادی به آن طرف رودخانه رفته است؟

فتح الله جعفری: سه روز است که برای عبور تانک‌ها تلاش می‌کنند. برادر پاکپور در جریان انتقال آن‌ها است.

رضایی: ما از این به بعد فقط با زرهی و توپ‌خانه

باید بجنگیم، تا پنج یا شش روز آینده که کار بازسازی یگان‌ها را دنبال می‌کنیم فقط باید زرهی و توپ‌خانه این خطوط را نگه داشته و یا پیشروی کنیم.

فتح الله جعفری: البته من خدمتتان عرض کردم که ما

تعداد زیادی تانک در اختیار نداریم.

فتح الله جعفری: چرا؟ خب شما که می‌گوئید، مرتضی ۳۰ دستگاه دارد. لشکر نجف چی؟

فتح الله جعفری: لشکر نجف اصلاً تانک در منطقه ندارد.

رضایی: چرا؟

فتح الله جعفری: این طرف و آن طرف پراکنده است. حداکثر می‌شود ۱۰ دستگاه.

رضایی: چرا ۱۰ تا؟

فتح الله جعفری: خب ۱۰ دستگاه بیشتر ندارند.

رضایی: خب باید بیاورد. باید ۲۰ دستگاه بیاورد.

سعی فرمانده سپاه آن است که برای فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا بیاندازد که در این عملیات باید بازسازی یگان در خط صورت گیرد و امکان به عقب رفتن وجود ندارد

مطمئن است. فرمانده‌ای که با این‌ها بود تعریف می‌کرد که مرتب هدف می‌زدند و برای بچه‌های توی خط خیلی روحیه بود. ۳ دستگاه تانک به مدت سه روز آن‌جا کار می‌کرد بچه‌ها هم مرتب مهمات می‌رساندند.

رضایی: آن طرف [غرب اروند] به اندازه کافی مهمات دارید؟

فتح‌الله جعفری: بله، مهمات ما زیاد است.

رضایی: منظورم حجم بالایی از مهمات است، دوباره مثل توپ‌خانه نشود.<sup>۱</sup>

فتح‌الله جعفری:

می‌بریم نه، می‌بریم مسئله‌ای نیست.

رضایی: آن

چیزی که به شما

می‌گویم باید مطلب

را بگیرید. می‌دانید

یعنی چه؟ فردا

نیائیم این‌جا افسوس

بخوریم. با انتقال

۲۰ دستگاه تانک به

آن طرف آب، کلی

از مشکلات حل

می‌شود.

فتح‌الله جعفری: قبل از عملیات به لشکر حضرت رسول (ص) ۴۵۰۰ گلوله دادیم. بعد از عملیات هم ۲۵۰۰ گلوله دادیم که الان برای عبور بار زده‌اند. رضایی: خب.

فتح‌الله جعفری: لشکر نجف هم ۵۰۰۰ گلوله داشت که ۲۰۰۰ گلوله دیگر پس از عملیات به آن‌ها دادیم. لشکر کربلا هم ۶۰۰۰ گلوله داشت ۲۰۰۰ گلوله دیگر هم به آن‌ها دادیم. یعنی همه لشکرها مهمات دارند. فقط باید خودشان عبور بدهند و استفاده کنند. ؟: ۳۰۰۰ تا به ما دادید.

خدمه باید بیاید روی تانکش کار کند، آمادگی داشته باشد، مانور بکند و ...

رضایی: خب تانک‌ها را بدهید به آن‌ها که آماده کنند.

فتح‌الله جعفری: شاید به این زودی امکان‌پذیر نباشد. به این سرعتی که شما می‌خواهید، آماده نمی‌شود.

رضایی: تانک‌های لشکر حضرت رسول (ص) کجا هستند؟

فتح‌الله جعفری: لشکر حضرت رسول (ص) دو گردان داشت، یک گردان امام سجاد<sup>(ع)</sup> بود که دو گروهان دارد یک گروهانش مهرا ن است و یک گروهان دیگرش اینجاست که البته می‌توانند گروهانی را که در مهرا ن است به این منطقه آورده و از آب عبور دهند. گردان دیگر هم سیدالشهداء است که حدوداً هر کدام ۳۰ تانک دارند.

رضایی: پس لشکر حضرت رسول (ص) باید حتماً یک گردان تانکش را ببرد آن طرف.

فتح‌الله جعفری: بله با خدمه، سازمان و تشکیلات هستند.

غلامعلی رشید: پس چرا الان توی خط فعال نیست؟

فتح‌الله جعفری: فعال است. تانک‌ها را دیشب عبور داد.

غلامعلی رشید: دیروز هنگامی که دشمن [در محور ام‌القصر] فشار آورد، تانک داشتند؟

فتح‌الله جعفری: نه خیر، فقط تیپ ۳۸ ذوالفقار آن‌جا بود که بیشتر خدمه‌هایش را این‌جا از دست داد. چهار فرمانده گروهان داشت که هر چهار نفر زخمی شدند. حال یکی از آن‌ها الان خوب است و می‌تواند کار بکند. خدمه‌ها نیز یکی پس از دیگری یا زخمی شدند یا شهید شدند. بالاخره مجبور شدند به عقب بیایند.

غلامعلی رشید: چند تا تانک زده بودند؟  
فتح‌الله جعفری: پوشش این تانک‌ها خیلی

۱. علی‌رغم تأکیدات فرماندهی مبنی بر انتقال مقدار زیادی مهمات توپ‌خانه به آن سوی اروند، این عمل صورت نگرفت و در یکی از پاتک‌های دشمن مشکلاتی را به وجود آورد.

فتح الله جعفری: ۳۰۰۰ تا.

رضایی: پس ما یک گروهان از لشکر حضرت رسول (ص) را فعلاً در محور جاده استراتژیک به کار بگیریم چون با این حرف‌هایی که شما می‌گوئید روی تیپ ۳۸ ذوالفقار نمی‌شود حساب کرد. یک گروهان دیگر از لشکر حضرت رسول (ص) را به محور ام‌القصر بفرستیم مثلاً چیزی در حدود ۱۵ دستگاه تانک باشد. تانک‌های لشکر ۸ نجف را هم باید کاملاً به این طرف آب بیاوریم. اگر چه همه اهل مقاومت هستند ولی باید رفت و همه آن‌ها را به جلو هل داد. چون ممکن است بچه‌ها باورش‌شان نشده است که ما برای حفظ این عملیات به این تعداد تانک نیاز ضروری داریم. این یکی از مشکلات کار است. باید باور و اعتقاد پیدا بشود که این تعداد تانک را می‌خواهیم.

فتح الله جعفری: پس ما باید مسئولین واحدهای تانک را بخواهیم بیایند این‌جا و با آن‌ها صحبت بکنیم.

رضایی: بلکه این کار را بکنید. آن طرف آب هم می‌توانید این کار را بکنید حتماً به آن‌ها بگوئید. الان تنها امکانی که ما می‌توانیم از آن به جای نیرو استفاده بکنیم زرهی است. با این کار نیروها تا پنج یا شش روز دیگر آماده می‌شوند و به منطقه باز می‌گردند.

برادر محمد پاکپور معاون زرهی سپاه: در حال حاضر ۳۰ دستگاه تانک در کنار پل خضر آماده انتقال است ولی پل خضر خراب است و کار نمی‌کند.

رضایی: خب با طارق\* عبور دهید. پاکپور: سوار کمرشکن کردند که بیاورند، منتها کمرشکن‌ها در گل فرو رفت.

رضایی: خب به هر حال ببرید.

فتح الله جعفری: برادر محسن، از شما تقاضا داریم دستور بفرمائید فرماندهان این نکته‌ای را که می‌گویم حتماً رعایت کنند. ما رفته بودیم داخل منطقه و دیدیم نیروهایی که می‌خواهند به خط بیایند باید مسافت زیادی را پیاده‌روی کنند و در این فاصله نیز تعدادی از آنها به وسیله ترکش توپ و یا خمپاره شهید می‌شوند که این از نظر روحی روی آن‌ها تاثیر زیادی می‌گذارد. ما گفتیم ۱۸ دستگاه نفربر خشایار بیاورند کنار اسکله‌ها و نیروها را سوار نفربرها کردیم و با سرعت به طرف خط بردیم. این دفعه دیگر هیچ تلفاتی ندادند و بعد زخمی‌ها را سوار کردیم و به عقب آوردیم، به این شکل روحیه نیروها حفظ می‌شد. نکته دیگر این‌که ما با خشایار رفتیم داخل حوضچه کارخانه نمک و اصلاً مشکلی پیش نیامد و به راحتی از داخل حوضچه‌ها عبور کرد. هنگامی که به خط لشکر ۳۳ المهدی رسیدیم به برادر اسدی گفتیم زخمی‌ها را سوار نفربر کند تا به عقب ببریم. بعد هم یک نفربر دادیم که برایش نیرو و تدارکات ببرد. برادر اسدی از این کار خیلی خوشحال شده بود. حالا اگر یک تدبیر اتخاذ بشود که یگان‌ها از نفربرها و خشایارهایشان استفاده بکنند خیلی خوب می‌شود. الان لشکرهای ۲۷، ۲۵ و ۲۰ هر کدام ۳۰ دستگاه دارند، یگان‌های دیگر هم هر کدام ۱۰ تا ۲۰ دستگاه نفربر دارند.

رضایی: خدمه به اندازه کافی دارند؟ پاکپور: بله، همه با خدمه و با سازمان هستند. روی آن‌ها هم دوشکا نصب می‌شود.

رضایی: پس می‌توانند در پاتک‌ها از این نفربرها استفاده کنند. حتماً بگوئید آن‌ها را به آن طرف ببرند و استفاده کنند. ما اگر این‌ها را ببریم داخل خط اول که ضعیف شده، وضع حتماً تغییر می‌کند. با بردن تانک و نفربر خط‌مان

محسن رضایی:

الان تنها امکانی که ما می‌توانیم از آن به جای نیرو استفاده بکنیم زرهی است. با این کار نیروها تا پنج یا شش روز دیگر آماده می‌شوند و به منطقه باز می‌گردند

\* سطحه‌های بزرگ و متحرک که با آن وسایل سنگین مانند لودر، بولدوزر، تانک و ... را به روی آب حمل می‌کنند. این سطحه‌ها برای عملیات والفجر ۸ تدارک دیده شده و در آستانه عملیات به منطقه انتقال داده شد.

**تقویت توپخانه غرب اروند**

کمبود توپخانه در محور ام‌القصر یکی از علل اصلی ضعف آن محور می‌باشد و در جریان حمله روز گذشته دشمن نیز این خلاء شدیداً احساس شد، بدین خاطر فرماندهی طی پی‌گیری‌های متوالی از جمله گفت و گوی ذیل، از واحد توپخانه می‌خواهد که با بسیج نمودن توان خود، قبضه‌های توپ بیشتری را به غرب اروند و بطور خاص محور ام‌القصر منتقل کنند.

رضایی: چیزی برای انتقال به آن طرف آماده کرده‌اید؟

حسن شفیعی‌زاده: کاتبوشا، توپ ۱۵۵م و توپ ۱۵۰م برای انتقال به آن طرف از دیروز عصر آماده است، ولی بچه‌ها با مشکل مواجه شده‌اند. تا ساعت ۱۰ صبح چون آب در حالت جزر بود، نمی‌توانستند عبور کنند بعد هم دشمن شیمیایی زد و بچه‌ها منطقه را تخلیه کردند.

رضایی: یعنی الان

نمی‌برند؟ هیچ یک از توپ‌ها را نبردند؟

شفیعی‌زاده: اصلاً کسی در اسکله‌ها نیست. چند لحظه پیش من آن‌جا بودم چون شیمیایی زده، نیروها پخش شده و رفته بودند. الان آمدم هماهنگی کنیم. مشکل دیگر ما که دیشب با تلفن به اطلاع شمارساندیم یگانی است که برای حمل مهمات می‌خواهیم. با دو سه لنج نمی‌شود مهمات انبوه حمل کرد. سه تالنج در اختیار ما بود که در کل ۲۰۰ گلوله توپ ۱۲۰ را آورده بودند. هر کدام از لنج‌ها ۶۰ گلوله حمل می‌کنند.

رضایی: الان چند قبضه توپ به آن طرف آب برده‌اید؟

احیاء می‌شود، انشا... پر می‌شود. از لشکرهایی که داخل منطقه هستند کدامشان از این نفربرها دارند؟

فتح‌الله جعفری: همه لشکرها دارند.

رضایی: مطمئن هستید؟ خدمه هم دارند یا نه؟ شاید الان خدمه هایشان از رده خارج شده باشند.

فتح‌الله جعفری: بله، با سازمان هستند. خدمه را خودمان به آن‌ها دادیم.

پاکپور: پارسال آموزش دیدند.

فتح‌الله جعفری: پی.ام.پی هم هست ولی خشایار بهتر است.

رضایی: یعنی خشایار توی این زمین‌ها بهتر از پی.ام.پی است؟

فتح‌الله جعفری: نه، خشایار تعداد نفر بیشتری می‌تواند سوار کند ولی پی.ام.پی دارای سلاح تهاجمی است. روی آن یک آر.پی.جی نصب است. فکر می‌کنم لشکر حضرت رسول (ص) حدود ۲۵ یا ۳۰ دستگاه داشته باشد. یگان‌های دیگر هم هر کدام حداقل ۱۰ دستگاه دارند.

رضایی: الان توی خط هستند یا نه؟

فتح‌الله جعفری: نه توی خط که نیاورده‌اند.

پاکپور: این‌ها را استتارشان کرده‌اند.

رضایی: باید به آن‌ها ابلاغ شود که هر چه از این وسایل دارند عبور دهند منتها با سازمان و مهمات.

فتح‌الله جعفری: سازمان دارند. ما از ابتدا به آن‌ها امکانات و قطعات داده‌ایم.

راوی مرکز: در پایان این قسمت از بحث، فرماندهی سپاه با تأکید به برادر مبلغ که این مطالب را جهت پی‌گیری یادداشت کند، و تأکید این نکته که مسئول زرهی اقدامات لازم را جهت حضور هر چه سریع‌تر تانک‌ها و نفربرها در خطوط پدافندی فاو به عمل آورد به مباحث مطروحه در این زمینه خاتمه داد.

محسن رضایی:

این منطقه پد خندق

و عملیات‌های خیبر و بدر نیست.

این جا خطر با تمام وجود

احساس می‌شود. در این عملیات

باید هر گروهانی که بازسازی

می‌شود سریع برود در خط

سرگزاردن مراحل اولیه و تثبیت نسبی خط، تدریجاً یگان‌ها با آزاد شدن از خط به بازسازی می‌پرداختند، اکنون نیز به روش گذشته در پی بازسازی یگان خود می‌باشند، لیکن فرماندهی با درک عمیق‌تر نسبت به اهمیت موضع تصرف شده و آگاهی از حساسیت و اصرار دشمن در بازپس‌گیری فاو، تلاش می‌کند تا نوع جدید بازسازی، یعنی سازماندهی یگان در خط را به یگان‌ها تفهیم نماید. اما برای تحقق این امر با ناباوری بسیاری از کادرهای تیپ و لشکرها مواجه است. گفتگوی زیر یکی از این نشانه‌ها است.

اسماعیل قآنی فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا(ع): ما دیشب پیشنهاد کردیم این یک گردانی که در خط داریم تحت امر لشکر ۵ نصر قرار بگیرد، ما در جزیره‌ها مجنون به اندازه کافی درگیر هستیم، بهتر است برای بازسازی به عقب برویم.

رضائی با لبخند: در این عملیات که بازسازی معنی ندارد چون ما الان به شدت درگیریم تا دو ماه دیگر هم درگیر خواهیم بود.

قآنی: نه، جایی که نمی‌خواهیم برویم.

رضائی: این منطقه، بد خندق و عملیات‌های بدر و خبیر نیست. این‌جا خطر با تمام وجود احساس می‌شود. در این عملیات باید هر گروهانی که بازسازی می‌شود سریع برود در خط.

قآنی: پس با این حساب با این وضعیتی که ما داریم بایستی خودمان دائماً این‌جا باشیم طبیعتاً یک سری از کارهای لشکر انجام نمی‌شود.

رضائی: قبلاً لشکر که آزاد می‌شد می‌رفت در عقبه و با گرفتن نیرو در عرض دو یا سه هفته بازسازی می‌شد، الان وضع فرق می‌کند، باید گردان گردان در خود منطقه بازسازی کنیم. به نظر شما وقتی می‌خواهیم گردان‌ها را به این صورت بازسازی کنیم چه باید بکنیم؟

قآنی: ما یک سری کار با واحدها در اهواز داشتیم که باید با آن‌ها صحبت می‌کردیم.

شفیع‌زاده: یک قبضه کاتیوشا، چهار قبضه ۱۲۲م، چهار قبضه ۱۵۵م و دو قبضه ۱۰۵م تاکنون به آن طرف آب رفته است. توپ‌های ۱۵۵م لشکر حضرت رسول(ص) به محض این که مستقر شده و روانه گردیدند یک گلوله آمد خورد وسط آتش‌بارشان و همه خرج هایش سوخت. سه نفر هم توی آتش سوختند. کلیه امکانات مخابراتی و هدایت آتش هم سوخت.

رضایی: آماری که دادید غیر از آن چهار تا سوخته است؟

شفیع‌زاده: نه خیر، چهار قبضه ۱۵۰م جزء آماری بود که گفتم.

رضایی: پس در حال حاضر ما توپ ۱۵۵م آن طرف آب نداریم.

شفیع‌زاده: یک آتش‌بار داریم که می‌شود چهارقبضه. البته خرجی که از لشکر حضرت رسول(ص) سوخته بود، دیروز گفتیم برای آن‌ها خرج بردند که امروز چهار تا توپوتا خرج بودند که هنوز به اسکله‌ها نرسیده و دو تا از آن‌ها بمباران شد و باز خرج‌هایشان سوخت، فقط دو تا توپوتا توانست رد بشود. بعد گفتیم هر چقدر خرج دارند به منطقه بیاورند. الان آقای غم‌خوار هم نزدیک به ۲۰دستگاه ماشین راه انداخته که در آن مهمات از جمله گلوله‌های توپ ۱۵۰م موجود است، اگر این گلوله‌ها را به آن طرف آب ببریم آتش‌بار ۱۵۵م لشکر حضرت رسول(ص) عملیاتی می‌شود.

رضایی: پس الان آتش‌بار ۱۵۵م آتش نمی‌کند.

شفیع‌زاده: نه خیر، نمی‌کند.

راوی: با نگرانی اظهار تأسف می‌کند.

### بازسازی در خط

همان‌گونه که اشاره شد کمبود نیرو شدیداً موجب نگرانی گردیده و خطوط دفاعی از استحکام و اطمینان لازم برخوردار نیست. در چنین شرایطی با توجه به روند گذشته عملیات‌ها که پس از پشت



رضائی: سلام علیکم.

شریعتی: بسم الله الرحمن الرحيم خط ما در محور ساحلی بین لشکر ۷ ولی عصر و لشکر ۱۴ امام حسین<sup>(ع)</sup> بین این دو فاصله است. امشب باید انشاءالله وصل شود. در حال حاضر یک گروهان در خط داریم. یعنی آن چیزی که در توان ما بوده و هر چیزی که از آن باقی مانده همین یک گروهان است. دو گروهان هم از دزفول با ما تماس گرفتند که در حال آمدن هستند امشب به دستمان می‌رسد منتهی مشکلاتی داشتیم که وقتی با برادر غلامپور در میان گذاشتیم، ایشان گفتند بیائیم با شما صحبت کنیم. ما الان نمی‌دانیم چه کنیم؟ خط کلی عملیات

فرماندهی با درک عمیق‌تر نسبت به اهمیت موضع تصرف شده و آگاهی از حساسیت و اصرار دشمن در بازپس‌گیری فاو، تلاش می‌کند تا نوع جدید بازسازی، یعنی سازماندهی یگان در خط را به یگان‌ها تفهیم نماید. اما برای تحقق این امر با ناباوری بسیاری از کادرهای تیپ و لشکرها مواجه است

برای ما روشن نیست. خط ما مقداری تغییر کرده، الان مشخص نیست که چه یگانی مسئول خط است. اگر خط به طور کامل دست ما نباشد واحدهایمان تا حدودی بی‌کار می‌شوند، یعنی ما آن‌جا سرگردان هستیم. اگر قرار باشد همین‌طوری یک کاری به آن‌ها بدهیم، کار را رها می‌کنند و یک مقدار سست می‌شوند.

من الان باید مشخص بکنم اورژانس جدیدمان را کجا باید بزنم، بنه رزمی را کجا بزنم. باید خط در اختیار خودمان باشد که یک ملاکی دستمان بیاید. در ارتباط با آموزش و عقبه و پشتیبانی و این‌گونه مسائل به یک جمع‌بندی برسیم تا بتوانیم نسبت به آن کار بکنیم. به عنوان مثال الان اورژانس ما کلاً شیمیایی شده و به عقب رفته‌اند و اورژانس هم که الان داریم به درد نمی‌خورد. باید یک اورژانس دیگر بزنیم و من تردید دارم که اورژانس را آن طرف

رضایی: حرفی نیست، می‌شود موقتاً بگوئیم مثلاً برادر باقر [قالیباف فرمانده لشکر نصر] مسئول خط شما هم باشد و شما چند روزی بروید و کارهایتان را انجام دهید، بعد شما که برگشتید مسئول خط باشید، با هم نوبه‌ای عوض کنید، اما این خط، خط شماست و خطر با تمام وجود خط را تهدید می‌کند. قائنی: بله، بله با توجه به این‌که ما در این منطقه عقبه نداشتیم وضع‌مان چندان خوب نیست.<sup>۱</sup>

رضایی: الان اینجا عقبه‌تان را درست کرده‌اید؟

قائنی: نخیر

رضایی: خب چرا؟

قائنی: برای اینکه ما پیش‌بینی نمی‌کردیم به این منطقه بیائیم.

رضایی: خب الان پیش‌بینی کنید. همین الان پیش‌بینی کنید.

قائنی: ما بیائیم اینجا عقبه بزنیم؟

رضایی با لبخند: بله. شما فکر کنم مطلب را هنوز نگرفته‌اید. ما این‌جا دو ماه جنگ داریم. دو ماه به صورت جدی جنگ داریم.

قائنی: بله

رضایی: عراق تازه لشکر ۱۰ را از عماره راه انداخته یعنی یک جنگ حسابی است. تا پل‌هایمان بر روی اروند نصب نشود و تا عملیات دوم ما شروع نشود، ما این‌جا (فاو) درگیر هستیم.

قائنی: به هر حال پیشنهاد ما این بود که برادر باقر گردان‌ها را تحت امر بگیرد، تا ما اگر قرار است بازسازی شویم و اگر قرار است عقبه بزنیم، بتوانیم اقدامات لازم را انجام دهیم.

رضایی: آقای امین!

امین شریعتی فرمانده لشکر عاشورا: بله

رضایی: شما بیائید یک گزارش از وضعیت‌تان بدهیم ببینم.

شریعتی: سلام علیکم.

۱. تیپ ۲۱ امام رضا<sup>(ع)</sup> از جمله یگانهایی بود که پس از عملیات والفجر ۸ به منطقه عملیاتی فاو اعزام شد. این تیپ همزمان با عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی شلمچه تحت امر قرارگاه نجف، عملیاتی را در جزیره ماهی انجام داد.



رزمندگان در حال عبور از موانع ساحل اروندرود؛ فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

رودخانه بز نیم یا این طرف. یعنی یک سری مسائلی است که هنوز برای ما مبهم است و اگر مشخص شود انشا... بهتر می‌توانیم کار بکنیم. در ارتباط با نیرو و کادر، با نواحی صحبت کرده‌ایم چون الان تعداد زیادی از کادرهایمان زخمی هستند، در این صورت اگر نیرو هم بیاید بدون سرپرست می‌ماند، البته چند روز دیگر انشا... کادرهایمان خوب می‌شوند

و بر می‌گردند ولی به هر

خدمتتان گفتم. باید خط کلی عملیات دستمان باشد که در آینده می‌خواهیم چه کنیم؟

رضائی: اولین مسئله‌ای که وجود دارد این است که این عملیات با تمام عملیات‌هایی که تاکنون انجام دادیم فرق می‌کند، مثل خیبر و بدر و این‌ها نیست. مثل پد خندق در عملیات بدر نیست که دشمن پس از چند روز ما را رها کند. در این منطقه (فاو) تا عملیات دوم ما شروع نشود جنگ داریم و تا زمانی که پل‌های اساسی روی رودخانه اروند زده نشود جنگ به شدت ادامه خواهد داشت. حتی پل‌هایمان را هم که بز نیم شدت درگیری پائین نمی‌آید، فقط کم‌تر می‌شود. تنها زمانی فشار قطع می‌شود که عملیات دوم را شروع کنیم. در حقیقت اینجا زمین‌گیر شده‌ایم و حداقل چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم دو ماه جنگ است، آن هم دو ماه جنگی که دشمن سرسختانه خواهد کوشید که فاو را از دست‌مان بگیرد. پس ما حداقل دو ماه درگیری خواهیم داشت. اگر پل‌ها را بز نیم درگیری‌ها کم می‌شود و اگر عملیات دوم را شروع کنیم درگیری‌ها تقریباً آفت پیدا خواهد کرد. البته برای عملیات دوم داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم، منتها عملیات دوم خیلی چشمگیر نیست. قرار است در

حالت مشکل داریم. در این رابطه باید با نواحی و استانها هم صحبت شود. در حال حاضر ما ستاد و واحدهای لشکر را بسیج کردیم و قرار است سه گردان برای ما نیرو بیاید. دو گردان هم قرار شد استان زنجان آماده کند که بیایند. آن‌ها مرتب با ما در تماس هستند و قرار است با تماس بی‌سیم ما کادرهای آن‌ها را از نظر عملیاتی تأیید کنیم تا بیایند با کمک کادرهایی که این‌جا داریم مشغول شوند. که بتوانیم سریع بازسازی کنیم ولی مسئله مهمی که الان برای ما مطرح هست مسئله زمان است. مسئله خط کلی عملیات است که دقیقاً باید مشخص بشود. اگر این‌ها مشخص بشود انشا... می‌توانیم سریع برای کارها برنامه‌ریزی کنیم.

رحیم صفوی: از اسکله چهار چراغ به پائین اورژانس را حتماً باید در غرب اروند بز نیم. چون در پاتک‌های دشمن اگر بخواهیم مجروحین را با قایق به این طرف بیاوریم خیلی مشکل است. باید از سنگرهای بتونی یا از سنگرهای خیلی محکم استفاده کنیم. اورژانس‌ها باید آن طرف رودخانه باشد. منتهی نزدیک خط نباشد.

شریعتی: مسئله اورژانس را من برای مثال

منطقه چوارتا<sup>۱</sup> عمل کنیم که انشا... تا چهل و هشت ساعت دیگر عمل می‌کنیم ولی کلاً عملیات ضعیفی است؛ یعنی نیروهایی عمل می‌کنند که ممکن است فقط نصف هدف را بگیرند. پس آینده روشن است. از طرف دیگر این اقدامی که ما کردیم صحنه دنیا را به هم ریخته است. یعنی کسانی که خود را صاحب دنیا می‌دانند، گفته‌اند اشتباه بزرگی صورت گرفته است، ما فکر نمی‌کردیم وضع این‌طور بشود. عبور ما از اروند و این جنگی که بچه‌ها این‌جا کرده‌اند و دشمن نتوانسته با همه تلاش‌هایش ما را عقب بزند، همه می‌گویند اگر ایرانی‌ها این‌جا بمانند، یک نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای در تاریخ جنگ پیدا می‌شود. ما باید از این ارزشی که این‌جا به وجود آمده با تمام وجود پاسداری کنیم و سعی کنیم آن را حفظ کنیم. بزرگ‌ترین مشکلی که الان بین ما و برادران فرمانده به وجود آمده است این است که هر چه من می‌خواهم به یک طریقی این را تفهیم بکنم که ما این‌جا تداوم جنگ داریم، می‌بینم مانع وجود دارد. یعنی هر چه من می‌خواهم این احساس را به نحوی منتقل کنم، نمی‌توانم. برادرها باید توجه داشته باشند که این‌جا بازسازی هیچ مانعی ندارد. همان کاری که شما الان می‌گوئید کرده‌اید، یعنی یک گردان یک گردان بازسازی کرده و پای کار آوردید، دو گروهان دو گروهان بازسازی کردید و پای کار آوردید. این حرکت باید به عنوان یک خط کاری ادامه پیدا کند. شما فعلاً در حد همان توانی که در خط دارید به همان اندازه به عنوان احتیاط باید داشته باشید اما مأموریت اصلی شما فعلاً رده دوم است، الان ما فقط یک پرده پوششی در مقابل دشمن داریم. این حرف‌هایی هم که امشب می‌زنیم نمی‌دانیم تا هفتاد و دو ساعت دیگر یا چند شبانه روز دیگر وضع چطور می‌شود؟ حالا ما فقط یک پرده پوششی آن جلو داریم با این وضعیت چه باید بکنیم؟ در کوتاه مدت باید هر چه

سریع‌تر رده (خط ۱) دوم را تشکیل دهیم. وضع ما الان این است پس وقتی می‌گوئیم بازسازی یعنی بازسازی در خط. در این بازسازی بلافاصله نیرویی که آوردیم باید برود در خط مستقر شود. مهم‌ترین مسأله در رابطه با شما عمق بخشیدن به جبهه است. یعنی همان خط پدافندی شماره دو، خط شماره دو، این خط شماره دو حداقل به استعداد دو گردان، سه گردان باید تشکیل شود و با زدن کانال و انداختن آب در آن، خط مستحکم شود. کانالی که ابتدای آن اسکله چهار چراغ و انتهای آن در خور عبدالله باشد و از پایگاه موشکی دوم و از منطقه باتلاقی عبور کند. اگر هیچ کاری نکنیم عقب ماندگی داریم. تا قبل از این‌که آن پنج گردان بیاید باید نفربرهایی که تیربار داشته باشد مثل خشایارهایی که تیربار دارند، را توی خط ببریم، تانک توی خط ببریم. بردن تانک و نفربرهایی که تیربار دارند تا نیروهایمان آماده بشوند خلاء آن‌ها را پر می‌کند. اگر این‌ها را هم ببریم قطعاً عقب‌ماندگی داریم و دشمن هم از این عقب‌ماندگی حتماً استفاده خواهد کرد. خدا بیشتر از این که نمی‌شود به ما نصرت بدهد. خدا امروز دشمن را زمین گیر کرد.<sup>۲</sup> ما باید نزد خدا خیلی عزیز باشیم که این همه پیروزی نصیب ما کرده است. در نتیجه، از این زمینه‌هایی که فراهم شده باید استفاده کنیم. کمبود نیرو را بایستی به سرعت جبران کرد. همین امشب باید نفربرها با تیربارچی ببرید توی خط اول و بعد هم رده دوم را به عنوان احتیاط خط اول تشکیل دهید. با فرستادن تانک‌ها، نفربرها و خشایارهایی که روی آن‌ها دوشکا نصب شده، خط دوم را مستحکم کنید. الان چیدن این رده‌ها بسیار مهم و حساس است و دشمن این‌جا را رها نخواهد کرد دشمن این‌جا اشتباه بزرگی که کرد به خاطر این بود که خدا کورش کرد، آمد یک لشکر یک لشکر وارد منطقه کرد و این کار باعث شد که

۱. عملیات والفجر ۹

۲. با بارش باران درغروب روز گذشته (۶۴/۱۱/۲۹) پانک دشمن به محور ام‌القصر که منجر به شکسته شدن خط خودی و پیشروی دشمن شده و نگرانی عمیقی جبهه خودی را فرا گرفته بود، با شکست مواجه شد.

چسبیدن به پل روی جاده ام‌القصر و انتهای کارخانه نمک است. در محور جاده استراتژیک هم چسبیدن به تقاطع سه راه کارخانه نمک و جاده استراتژیک مورد نظر است. سمت راست (محور ساحلی) هم رفتن تا آنجایی که خالی است یعنی آنجا که دیگر جنگل (نخلستان) دوباره شروع می‌شود. این سه تا را باید برویم. مرحله اول عملیات در این جا ست. اگر توانستیم نیرو از این منطقه آزاد کنیم و جای دیگر عمل کنیم ممکن است این کار را بکنیم ولی اگر نتوانستیم مجبوریم همین جا ادامه بدهیم. چون ادامه‌ی جنگ در این منطقه هم پیروزی را حفظ می‌کند و هم این که ما به سمت هدف می‌رویم. هدف بعدی ما هم مشخص است. قبلاً به شما گفته‌ایم که کجاست. یعنی در این جا اگر دیدیم نمی‌توانیم آزاد بشویم و دشمن ما را درگیر نگه داشته راه حلی نداریم به جز این که از همین سمت به سوی هدفی که در نظرمان بوده ادامه‌ی عملیات بدهیم و به آن برسیم. این کار ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که بتوانیم از این منطقه نیرو برداشت کنیم. تا آن موقع یگان‌ها باید دو به دو با هم کار کنند و کارهایشان را با هم تقسیم کنند. چند روز یگان اول محور اصلی باشد و یگان دوم برود دنبال کارهای دیگرش و چند روز یگان دوم اصلی باشد و یگان اول کارهای دیگرش را پی‌گیری کند. منتها باید دقت کنید که کسی خط را تحویل نمی‌دهد، تانک و ادوات و وسایل رزمی و واحدهای رزمی سرجایشان باقی می‌مانند. فقط ممکن است فرماندهی با ستادش کار داشته باشد و بخواهد جلسه ای بگذارد، در این صورت می‌تواند برای چند روز با یگان هم‌جوار هماهنگ کند و همین‌طور بالعکس. الان مسئولیت خط‌های نجف، کربلا، عاشورا که ما تعیین کردیم به قوت خودش باقی است. دشمن هم دقیقاً کار ما را کرده، منتها ما از نظر زمان خیلی از دشمن جلو هستیم و ابتکار عمل در دست ماست.

حسابی ضربه خورد البته توجه هم نبود آشنا هم نبود نمی‌دانست چه بکند نمی‌فهمید ما کجا هستیم و خودش کجاست، حسابی یک ضربه محکمی خورد که از این ضربه اگر ما استفاده نکنیم پشیمان خواهیم شد. همین مشکلی که من در انتقال این مطلب با شما داشتم شما با نیروهایی پائین‌تر دارید. که چه طوری این مسئله را به برادرنتان تفهیم کنید که باید مسئله مرخصی و مسئله بازسازی به شکل دیگری حل شود. این جا بدر نیست که فقط هفت شبانه روز جنگیدیم، این جا باید تا سه ماه دیگر جنگید. این مطلب را باید به نیروها به خوبی منتقل کنید. هشدار بدهید که شما باید برای یک جنگ حسابی خودتان را آماده کنید. اگر در این رابطه موفق بشوید و بچه‌ها توجیه شوند، توانشان را در اختیار شما می‌گذارند اما وقتی توجیه نباشند مرتب یک چیز روح آن‌ها را آزار می‌دهد و مرتب به فکر فرهنگ قبلی‌شان هستند. لذا بایستی اولین کارتان توجیه نیروها باشد تا آن‌ها بتوانند به خوبی به شما سرویس بدهند و خدمت کنند. این‌ها را باید توجیه کنید و انشا... یک گردان یک گردان هم که شده اول خط‌تان را مقدار تقویت کنید و بعد هم در رده (خط) دوم نیرو بچینید. در کوتاه مدت هم باید تانک و نفربر بیرید غرب رودخانه. به یاد داشته باشید این جا مثل عملیات بدر و خیبر نیست. باید تا آخرین نفر بجنگیم. همان طوری که برای دشمن مهم است برای ما هم مهم هست. یعنی خدا نکرده اگر یک جانی خط شکست همه باید بمانیم بجنگیم. اگر شده نفر به نفر در کوچه‌های شهر فاو بجنگیم باید این کار را بکنیم. پس وضع ما به این صورت است حالا دیگر بنشینید و ببینید چه کار باید کرد.

شریعتی: پس خط کلی این است که روی خط پدافندی برنامه‌ریزی و کار کنیم.

رضائی: خط پدافندی و خیزهای کوتاه و تکمیل کردن مرحله اول عملیات. مرحله اول عملیات